سبک نفوذ

چرا فکر می‌کنیم دوره مخالفت با ماهواره گذشته است؟

عقب‌نشینی خیانت‌بار و خسارت‌بار مقابل ماهواره

بررسی‌ها نشان می‌دهد برنامه‌های شبکه‌های مختلف به طور محسوسی در تغییر سبک زندگی ایرانی - اسلامی خانواده‌های ایرانی و برهم زدن کانون گرم خانواده و تغییر در اعتقادات و سبک زندگی سنتی ایرانیان تأثیر دارد و در این میان شاهد برنامه‌هایی هستیم که با عادی جلوه دادن برخی از خط قرمزهای اخلاقی در خانواده‌های ایرانی سعی در بر هم زدن و تغییر در سبک زندگی و اعتقادات خانواده‌های ایرانی دارند

مهدی ارجمند

فرزاد را خیلی وقت است که می‌شناسم. جوان بسیار خوبی است. سربه زیر، کاری، محبوب و دوست داشتنی. این روزها مشغول تهیه و خرید وسایل و اسباب زندگی مشترکش است که قرار است چند وقت دیگر تشکیل دهد و با همسرش زیر یک سقف زندگی کند. او این روزها حسابی درگیر خرید لوازم منزل جدیدش است. از یخچال گرفته تا تلویزیون و مبلمان و سرویس چوب، اما او در کنار تهیه این لوازم ریز و درشت چند روز پیش سراغ فروشنده و نصاب ماهواره را می‌گرفت. با روحیاتی که از فرزاد سراغ دارم باور کردنش کمی برایم سخت بود که دنبال خرید این دایره زنگی باشد، اما او گفت: ای بابا مگه چه اشکالی داره؟ بالاخره جوونیم و اول زندگی یه وسیله سرگرم‌کننده باید توی خونه باشه یا نه؟ شب‌ها وقتی خسته از سر کار به منزل بر میگردم باید یه وسیله سرگرم‌کننده باشه که با دیدن فیلم‌ها و برنامه‌هاش خستگی در کنم یا نه؟ فرزاد اعتقاد دارد ماهواره فقط یک وسیله سرگرم‌کننده است که تنها برای رفع خستگی است. شاید او هنوز نمی‌داند که ماهواره و وسایلی شبیه ماهواره چه تأثیرات منفی در زندگی افراد می‌گذارد. عدم اطلاع از تأثیرات منفی تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای باعث شده است برخی از افراد و خانواده‌ها بدون توجه به این تأثیرات منفی خیلی راحت و تنها با یک تماس این دایره زنگی را روی پشت بام خود نصب کنند و بدون اینکه متوجه باشند پای سربازهای پیاده نظام جنگ نرم را به خانه خود باز می‌کنند. شاید بعضی‌ها بگویند دیگر دوره مخالفت با ماهواره گذشته است! اما باید گفت آسیب‌های فرهنگی برنامه‌های ماهواره‌ای همچنان و حتی بیش از همیشه پابرجاست و عقب‌نشینی از مقابله با ماهواره خیانتی خسارت بار است.

این بشقاب پر از خوراک مسموم است

علاوه بر کارشناسان دینی، روانشناسان و جامعه‌شناسان نیز درباره تأثیرات منفی تماشای برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای بارها هشدار داده‌اند و این بشقاب را مملو از خوراک مسموم می‌دانند.

به اعتقاد آنها ترویج خشونت، بلوغ زودرس و دسترسی سریع به اطلاعات جنسی، باورهای غلط درباره مسائل عاطفی و جنسی، ایجاد زمینه‌های اختلاف و تنش بین همسران، ترویج مصرف گرایی، کاهش اعتماد در زندگی زناشویی، القای عادی بودن روابط زن و مرد نامحرم و... از مهم‌ترین تأثیرات برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای است، خصوصاً اینکه برخی از این شبکه‌ها به عنوان شبکه‌های فارسی زبان برنامه هایی را تهیه می‌کنند که به اعتراف مقامات امریکایی با هزینه‌ای که از سوی سنای امریکا پرداخت می‌گردد تهیه می‌شود.

ماهواره یک گرداب فساد است که برنامه‌ریزان این دایره زنگی هدفی جز کشاندن خانواده‌های ایرانی به این گرداب فساد ندارند و در این میان همه ساله برنامه‌های متنوعی برای به دام انداختن خانواده‌های ایرانی و میخکوب کردن آنها پای این بشقاب پر از خیانت و خباثت تدارک دیده می‌شود.

نکته اینجاست که حتی برخی افراد که در مناسبت‌های مختلف مثل محرم و صفر یا دیگر آیین‌های مذهبی مشارکت فعالی دارند به برنامه‌های ماهواره وابسته‌اند و گاهی اوقات، وقت خود را پای شبکه‌های ماهواره‌ای می‌گذرانند در حالی که بر اساس فتوای مراجع تقلید تماشای شبکه‌های مختلف مفسده انگیز ماهواره‌ای جایز نیست.

طلاق از مسیر سریال‌های ماهواره‌ای

نتیجه پژوهش‌ها نشان می‌دهد ۱۷ درصد از طلاق‌ها متأثر از تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای است، اما همچنان مسئولان هیچ راهکاری برای کاهش آثار سوء ماهواره‌ها ندارند.

به گفته مجید ابهری، آسیب شناس اجتماعی، نتایج پژوهشی که از ابتدای سال ۹۲ تا پایان سال ۹۳ در گروه اجتماعی بنیاد امور خانواده پژوهشی درباره تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای بر خانواده آغاز شده است، نشان می‌دهد ۱۷ درصد طلاق‌ها تحت تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای صورت گرفته است. ابهری می‌گوید: این رقم براساس یافته‌های تحقیق و دلایل اظهار شده توسط بعضی از زوجینی به دست آمده است که بیننده شبکه‌های ماهواره‌ای بوده‌اند، به نحوی که به دقت می‌توان تأثیر ماهواره‌ها را بر روابط زناشویی دریافت.

این کارشناس اظهار می‌دارد: زشتی زدایی از روابط نامشروع، توسعه روابط فرا زناشویی، حرمت شکنی، کمرنگ شدن جایگاه خانواده و در یک جمله تغییر سبک زندگی و انحراف آن از زندگی اسلامی و ایرانی در اثر تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای بوده است. علاوه بر آن ایجاد اعتیاد به این برنامه‌ها، اتلاف وقت، کاهش روابط گفتاری بین اعضای خانواده که گاه یک سریال تا ۳۰۰ قسمت یا بیش از آن ادامه دارد و هر شب مخاطب را پای ماهواره می‌کشاند، از دیگر پیامدهای سریال‌های ماهواره‌ای است.

به گفته ابهری، در ۹۵ درصد از سریال‌های ماهواره‌ای روابط فرا زناشویی تبلیغ می‌شود و زنان شوهردار و مردان متأهل بدون هیچ‌گونه محدودیتی به دنبال روابط نامتعارف هستند و جایگاه خانواده به عنوان هسته اصلی جامعه، پایین می‌آید و بی‌ارزش می‌شود.

خیانت به همسر، منفی‌ترین پیامد برنامه‌های ماهواره‌ای

همانطور که اشاره شد برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای تأثیرات بسیار منفی روی روابط عاطفی زوجین دارد. این برنامه‌ها با هدف اثرات مخرب روی زندگی خانواده‌ای ایرانی با بودجه‌ای کاملاً مشخص ساخته می‌شود که باعث شده تا برخی از زوجین تحت تأثیر این برنامه‌ها در زندگی مشترک به طور جدی به مشکل برخورد کنند.

در این میان عادی جلوه دادن خیانت به همسر و خانواده یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی است. برنامه‌هایی که به صورت مستقیم خانواده‌های ایرانی را نشانه گرفته است و کانون خانواده مهم‌ترین هدف و سیبل تیرهای سمی آن است.

مهدی پارسا، کارشناس رسانه در باره شبکه‌های ماهواره‌ای می‌گوید: کاملاً مشخص است که این برنامه‌ها از سوی افرادی ساخته می‌شود که دشمنان قسم خورده ایران و ایرانی هستند و آرامش کانون خانواده ایرانی برای آنها به هیچ وجه قابل قبول نیست و با ساخت برنامه‌های مختلف و با استفاده از ترفندهای گوناگون به دنبال برهم زدن نظم و انتظام خانواده‌ها و تغییر سبک زندگی ایرانی-اسلامی هستند.

او به تأکیدات مقام معظم رهبری در این باره اشاره و بیان می‌کند: اینکه معظم له بر تبیین الگوی سبک ایرانی - اسلامی تأکید و بر پاسداری و حفاظت از کانون خانواده اصرار دارند به خاطر هجمه‌ها و حمله‌هایی است که از سوی دشمن در قالب جنگ نرم علیه مردم کشورمان در حال برنامه‌ریزی و اجراست.

وی به تأثیرات منفی گسترده برنامه‌های ماهواره‌ای روی نوجوانان و کودکان اشاره می‌کند و می‌گوید: بعضی از کارتون‌ها و برنامه‌های ویژه کودکان که از شبکه‌های مختلف تلویزیون پخش می‌شود دارای صحنه‌های خشن،زد و خورد، درگیری، قتل و جنایت است. در چنین وضعیتی کودکان ما در مقابل این رسانه قرار می‌گیرند و آسیب‌های بسیاری در اثر تماشای این برنامه‌ها به فرزندان ما وارد می‌شود.

پارسا اضافه می‌کند: واقعیت این است آنهایی که دشمن مردم ایران هستند حتی برای کودکان نیز برنامه دارند و با ساخت برنامه‌های مختلف، کارتون‌ها و انیمیشن‌های گوناگون به دنبال تغییر در سبک زندگی و تربیت نسل‌های آینده هستند.

وی می‌افزاید: حتی بعضی از کارتون‌هایی که ما فکر می‌کنیم خشونت زا نیستند و ترویج خشونت نمی‌کنند و یک کارتون ساده و پر هیجان هستند در اصل تولید خشونت می‌کنند. در این وضعیت در روحیه کودکان به طور ناخودآگاه اثر می‌گذارند. شخصیت‌های اکثر کارتون‌ها در حال انتقام گرفتن از رقیب خود هستند و از هر وسیله‌ای در این زمینه استفاده می‌کنند. البته برنامه‌های اکشن و خشن و حادثه‌ای فقط مخصوص کودکان نیست بلکه فیلم‌ها، سریال‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی خودمان هم پر هستند از صحنه‌های خشن و خون آلود که در ایام مختلف مثل جمعه‌ها و ایام عید و تابستان بسیاری از افراد جامعه را به خود جلب می‌کند.

این کارشناس گریزی هم به شبکه‌های اجتماعی، کانال‌های تلگرامی و اینستاگرامی می‌زند و می‌گوید: در این میان وجود ابزارهایی مانند کانال‌های تلگرامی و اینستاگرامی و شبکه‌های اجتماعی نیز باعث شده است کارشناسان در باره تأثیرات منفی این کانال‌ها و شبکه‌ها بیشتر احساس خطر کنند؛ چراکه هیچ نشانه‌ای از فرهنگ‌سازی قبل از ورود به این شبکه‌ها و کانال‌ها مشاهده نمی‌شود.

همانگونه که این کارشناس تأکید می‌کند اینگونه ابزارهای ارتباطی در حالی وارد جامعه ما شده و به سرعت جای خود را بین آحاد مختلف مردم باز کرده است که به هیچ عنوان فرهنگ‌سازی در این خصوص انجام نشده و در این میان خطر اصلی متوجه نوجوانان و جوانان است که در اوج حساسیت و هیجان قرار داشته و در سنی هستند که نیاز به کنترل و مراقبت بیشتری دارند.

بعضی از کارتون‌هایی که ما فکر می‌کنیم خشونت زا نیستند و ترویج خشونت نمی‌کنند و یک کارتون ساده و پر هیجان هستند در اصل تولید خشونت می‌کنند. در این وضعیت در روحیه کودکان به طور ناخودآگاه اثر می‌گذارند. شخصیت‌های اکثر کارتون‌ها در حال انتقام گرفتن از رقیب خود هستند و از هر وسیله‌ای در این زمینه استفاده می‌کنند

پارسا در ادامه می‌گوید: در این میان به طور حتم نقش خانواده‌ها بسیار تأثیرگذار است و خانواده‌ها باید بیش از پیش مراقب فرزندان و نوجوانان خود باشند.

وی می‌افزاید: باید قبول کنیم که برنامه‌های شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای به گونه‌ای طراحی و برنامه‌ریزی شده است که تأثیر مستقیم روی سبک زندگی ایرانی -اسلامی ما دارد و هدف اصلی برنامه‌ریزان این شبکه‌ها خانواده‌های ایرانی است. به گفته این کارشناس رسانه، بررسی‌ها نشان می‌دهد برنامه‌های شبکه‌های مختلف به طور محسوسی در تغییر سبک زندگی ایرانی - اسلامی خانواده‌های ایرانی و برهم زدن کانون گرم خانواده و تغییر در اعتقادات و سبک زندگی سنتی ایرانیان تأثیر دارد و در این میان شاهد برنامه‌هایی هستیم که با عادی جلوه دادن برخی از خط قرمزهای اخلاقی در خانواده‌های ایرانی سعی در بر هم زدن و تغییر در سبک زندگی و اعتقادات خانواده‌های ایرانی دارند.

آرام آرام به سمت پرتگاه

همه شواهد نشان می‌دهد باید قبول کنیم که ماهواره که این روزها به یک عضو جدایی ناپذیر در بسیاری از خانواده‌ها تبدیل شده است، یک تهدید برای سبک زندگی ایرانی - اسلامی به حساب می‌آید.

حجت‌الاسلام محسن بهمنی، کارشناس مذهبی و پژوهشگر حوزه خانواده در این باره می‌گوید: یکی از آداب هر فرد مسلمان رعایت کردن حریم محرم و نامحرم و پوشاندن دیده از هر موضوع حرام و گناه آلود است. در این میان به طور حتم نگاه کردن به برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای که دربردارنده تصاویر و موضوعاتی است که هیچ سنخیتی با موازین و آداب دینی ما ندارد، کار شایسته‌ای نیست.

او با اشاره به دستور قرآن کریم در باره نگه داشتن دیده و نگاه از حرام می‌افزاید: این دستور قرآن کریم است که هر فرد مسلمان نگاه خود را از مسائل و موضوعات حرام نگه دارد، بنابراین شایسته نیست که فردی با این توجیه که انسان باید دلش پاک باشد یا اینکه تماشای این برنامه‌ها تأثیری روی ما نمی‌گذارد، پای برنامه‌های شبکه‌های مختلف بنشیند.

حجت‌الاسلام بهمنی در ادامه به تأثیرگذاری تدریجی برنامه‌ای شبکه‌های ماهواره‌ای بر روح و روان انسان‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: انسان بدون اینکه متوجه باشد به سمت پرتگاه می‌رود و حرکت انسان به سمت نابودی و تباهی آرام آرام صورت می‌گیرد و نه به صورت ناگهانی و به یکباره. لذا افرادی که عادت به تماشای برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای دارند یا اینکه نمی‌توانند لذت تماشای موضوعات گناه آلود شبکه‌ها و کانال‌های تلگرامی یا اینستاگرامی را ترک کنند بدانند که قدم به قدم به سمت تباهی و به ورطه نابودی نزدیک می‌شوند.

او اضافه می‌کند: شاید برخی از افراد ندانند اما تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای و دیدن موضوعات غیر اخلاقی در شبکه‌ها و کانال‌های تلگرامی و اینستاگرامی یک نوع خودزنی است و انسان با این رفتار به روح خود ضربه‌های جبران ناپذیری وارد می‌کند.

نگاه

۶ شاخص ضروری برای مدیریت فرهنگی در جامعه دینی

وقتی تولید فرهنگی نداریم فرهنگ وارداتی مصرف می‌کنیم

سمیه حیدری*

هر نظام و ملتی دارای بینش و گرایش خاصی است که برای نهادینه کردن و صیانت از آن، به نرم افزاری به نام مدیریت فرهنگی، نیازمند است. از آنجایی که بینش‌ها و گرایش‌ها در تمامی ادوار و در تمام جوامع به نوعی به درست و نادرست تقسیم می‌شوند، در جامعه دینی ما که فرهنگ الهی حاکم است، این فرآیند از مجرای تأثیرگزاره‌ها و آموزه‌ها و توصیه‌های قرآنی تحقق می‌یابد.

جامعه در این مسیر بدون شک از تولید مدیریت فرهنگی دینی بی‌نیاز نیست، زیرا استقرار و پایداری هر نظامی تا حد زیادی به مدیریت فرهنگی آن بستگی دارد. یکی از راه‌های تولید محتوای مدیریت فرهنگی در جامعه اسلامی رجوع به منابع موثق و ارزشمند دین اسلام از جمله قرآن، کلام و حدیث است و با بهره‌برداری درست از آنها می‌توان سبک زندگی اسلامی را تعریف و عملیاتی کرد.

قرآن کریم از چنین ظرفیتی عظیم در این زمینه برخوردار است و می‌تواند در محتوا، ساختار و سازه‌های مدیریت فرهنگی تأثیرگذار باشد و آن را به یک مدیریت فرهنگی دینی تبدیل نماید. از این رو، ما به گزاره‌ها، توصیه‌ها و آموزه‌هایی از قرآن و روایات معصومین(ع) اشاره می‌کنیم که چگونه این فرآیند قابل تحقق خواهد بود.

ما معتقد هستیم اولاً: مدیریت فرهنگی دینی قابل تولید است. ثانیاً: قابل اجراست. ثالثاً: ضرورت دارد. بر این اساس راهکارهای قرآنی و دینی مدیریت فرهنگی در دو بخش قابل بررسی است: ۱- راهکارهای عملی برای رسیدن به قرب الهی ۲- راهکارهایی عملی برای رفع موانع و مشکلات جامعه.

در یک جامعه دینی، مدیریت صنعتی، مدیریت کشاورزی، مدیریت بهداشت، مدیریت علمی و... از مدیریت فرهنگی تأثیر گرفته و همه آن مدیریت‌ها در جهتی حرکت می‌کنند که مدیریت فرهنگی ترسیم کرده است

تحقق مدیریت فرهنگی دینی در این دو بخش نیازمند شاخصه‌ها و معیارهایی است که به شماری از مهم‌ترین آنها در این نوشته اشاره می‌شود.

۱)مدیریتی جامع و هدفمند

هر کاری که انسان انجام می‌دهد از دوحال خارج نیست. یا هدف خاصی دارد یا رفتاری کلیشه‌ای و بدون هدف خاصی است. اگر هدفی نداشته باشد که مورد بحث نیست، چون کار بیهوده انجام می‌دهد، اما فردی که هدف خاصی را دنبال می‌کند لازم است کاری که انجام می‌دهد به صورت کامل و جامع باشد. از آنجا که مدیریت فرهنگی یک برنامه و نرم افزار است، برای ارائه منشور زندگی و راهکار آن باید از جامعیت برخوردار باشد تا به نتیجه برسد.

با چنین رویکردی مدیریت فرهنگی باید تمام سطوح جامعه، اعم از اقتصادی، سیاسی، علمی، اجتماعی، خانوادگی و سطوح دیگر را در برگیرد. نه تنها یک جامعه، بلکه جامعه جهانی مانند یک شبکه به هم متصل است و نمی‌توان سطوح مختلف را از هم جدا و بی‌ارتباط دانست، بر این اساس مسائل اقتصادی، علمی، فرهنگی و سیاسی به هم مرتبط است. به عبارت دیگر نمی‌توان در جامعه ادعا کرد که موضوع اقتصادی با فرهنگی و موضوع علمی با سیاسی ربطی ندارد و از یکدیگر جداست. اگر نگاهی دقیق به رویدادهای پیرامون خود داشته باشیم متوجه می‌شویم که چطور مسائل اقتصادی با سیاسی و اجتماعی حتی با عقیدتی ارتباط دارد و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرد، لذا مدیریت فرهنگی باید از ظرفیتی برخوردار باشد که بتواند به صورتی شبکه‌ای همه سطوح جامعه را به هم مربوط کند.

۲)مدیریتی علمی و ضابطه‌مند

مدیریت فرهنگی باید از تمام فاکتورهای علمی برخوردار باشد، چنانکه بتواند در جامعه نه تنها پاسخگوی نیاز مسلمانان بوده، بلکه برای جامعه بشریت مفید باشد، از این رو، برای تولید محتوای مدیریت فرهنگی لازم است تمام مراحل علمی و پژوهشی شامل فرضیه، جمع‌آوری اطلاعات، سنجش، داوری و دیگر مراتبی که به یک نظریه علمی می‌رسد در آن لحاظ شود تا از پشتوانه دانش قوی برخوردار و همچنین قابل عرضه، دفاع و اجرا باشد.

۳)مدیریتی برخوردار از قابلیت ارتقا

از آنجایی که عقل انسان‌ها در حال رشد و تکامل است و آدمی به مرور به اوج عقلانیت می‌رسد، درنتیجه یک بسته محتوایی مدیریت فرهنگی نمی‌تواند برای سالیان دراز پاسخگو باشد، بلکه لازم است به مرور و متناسب با شرایط زمان قابل ارتقا باشد تا بتواند کارآمدی مناسب داشته باشد.

۴)مدیریتی قابل عرضه برای اجرا

مدیریت فرهنگی لازم است قابل عرضه، دفاع و اجرا باشد. از جمله خصوصیات مدیریت فرهنگی این است که قابل عرضه باشد، لذا صرفاً با تولید یک مدیریت فرهنگی نمی‌توان گفت رسالت کارگزاران فرهنگی انجام شده است، بلکه لازم است این مدیریت به جامعه عرضه شود و در عین حال از ظرفیتی برخوردار باشد که در مقابل اشکالات و تهدیدها قابل دفاع باشد چون مردم تا نسبت به موضوعی اطمینان پیدا نکنند، به درستی و با رضایت از آن حمایت نمی‌کنند و هنگامی که از پشتوانه مردمی برخوردار نباشد در مقام اجرا نیز کارآمد و مفید نخواهد بود.

۵)مدیریتی مبتنی بر منابع و مواد دینی

مدیریت فرهنگی دینی، لازم است برگرفته از منابع، مبنا و مواد دینی باشد و به تمام نیازهای درست و حقیقی انسان مبتنی بر رویکردهای معنوی و آموزه‌های الهی پاسخ گوید.

مدیریت فرهنگی لازم است بر اساس نیازهای واقعی جامعه طراحی شده باشد. درجامعه نیازها به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) نیازهای حقیقی ب) نیازهای مجازی یا کاذب.

نیازهای حقیقی یک جامعه براساس عقل و فطرت انسان‌ها سنجیده و برآورد می‌شود، چنانکه نیازهای مجازی و کاذب انسان‌ها برمبنای لذت و دنیاطلبی است.

در یک جامعه دینی نیازها براساس عقل و فطرت که برگرفته از آموزه‌ها، گزاره‌ها و توصیه‌های دینی است شکل می‌گیرد و بر مبنای آن مدیریت فرهنگی تولید می‌شود. چنانچه مدیریت فرهنگی درجامعه دینی پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه نباشد اولاً: از کارکرد خود باز می‌ماند. ثانیاً: جامعه برای نیازهای خود به محتوای مدیریت‌های فرهنگی دیگر حتی مدیریت‌های فرهنگی وارداتی رجوع می‌کند و در این فرآیند جامعه مجبور می‌شود نیازهای خود را تغییر دهد و سبکی از زندگی در جامعه حکمفرما می‌شود که مبتنی بر محتوای غیردینی است.

۶)مجموعه شبکه مدیریتی با رویکرد دینی

در خاتمه تأکید می‌شود مدیریت فرهنگی در عرض مدیریت صنعتی، بازرگانی، مدیریت آموزشی، مدیریت شهری و مدیریت‌های دیگر نیست، بلکه این مدیریت در تمام مدیریت‌های جامعه جاری و از نظر هدفی که دنبال می‌شود و نوع کارآمدی اجتماعی، آنها را تنظیم می‌کند. به عبارت دیگر در یک جامعه دینی، مدیریت صنعتی، مدیریت کشاورزی، مدیریت بهداشت، مدیریت علمی و... از مدیریت فرهنگی تأثیر گرفته و همه آن مدیریت‌ها در جهتی حرکت می‌کنند که مدیریت فرهنگی ترسیم کرده است. در واقع چنانکه بخواهیم جامعه دینی را بنا کنیم، لازم است فرهنگ دینی در تمام سطوح مدیریتی جاری شود و مجموعه شبکه مدیریتی متأثر از آن باشد.

***کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث**